



نظری به قوانین جزائی اسلام

• هر دقیقه‌ای چهار جنایت قابل اهمیت رخ می‌دهد . !
 * طبق آمار مؤسسه گالوپ : در سال گذشته از هر سه شهرنشین آمریکائی ، یک نفر مورد سرقت و چپاول قرار گرفته . !
 * چهار نفر از هر ده نفر گفته اند که : در خیابانها بویژه در شب ، احساس ناامنی می‌کنند و جمعیت می‌گویند : حتی در خانه‌ها هم احساس امنیت نداریم . !
 * سالی ۱/۵ میلیون قتل و سرقت در انگلستان اتفاق می‌افتد !
 * ۴/۵ میلیون نفر را دولت ، در آمریکا توقیف کرده - و تنها در ۱۳ سال پیش در آمریکا ، ۲۳ میلیون دلار صرف اجرای قانون جلوگیری از جرم شده است . !
 * آمار پلیس اسکاتلند یارد ، نشان می‌دهد : جنایات کنگستری زنانه به نسبت ۷۰٪ بیشتر از جنایاتی است که بدست کنگسترها و جنایتکاران و تبهکاران مرد ، انجام گرفته است .

* جنایت و آدمکشی از روی سنگدلی و شقاوت سرتاسر کیتی را فرا گرفته و آمار جرائم در ده سال اخیر نشان می‌دهد که آمریکا و اروپا در این زمینه از سایر قاره‌های جهان ، گوی سبقت را ربوده‌اند ! و رکورد جنایت و تبهکاری را بعد اعلای خود رسانده .

* آمریکا ، فرانسه و انگلستان به خاطر افزایش قتل و آدمکشی مشغول تدوین قوانین در مورد مرتکبین جنایت و تبهکاری می‌باشند تا جلوی پیشرفت آنرا بگیرند .

غارت و چپاول ثروتهای ملی حتی از طرف کسانی که مدعی پاسداری از منافع ملت‌اند ، بطور سرسام آورادامه دارد .

پرفسور « امانوئل پوزه » استاد دانشگاه مادرید و مشاور سازمان جلوگیری از جرائم دردانشکده حقوق در تهران طی نطقی گفت : برای تربیت و جلوگیری از انحراف و بزه جوانان ، ۴ هزار مؤسسه تربیتی لازم است .

« جرائد »

* * *

آمارهای فوق که از منابع موثق نقل شده نمایانگر توسعه روزافزون جرائم و جنایات درجهان است این آمار ، زنگ‌های خطر را بصدا در آورده خطر سقوط فضیلتها ، سرگ ارزشها ، نابودی انسان و سقوط انسانیت ، خطر انهدام اخلاق و معنویت ، خطر سقوط تمدن و بشریت و دست‌آوردهای علمی و فکری !

هشدار به تمام رهبرانی که هنوز عاطفه و انسانیت را در پای بت مقام و شهوت و جاه طلبی‌ها قربانی نکرده‌اند .

به آنانکه هنوز امیدی دارند و برای اصلاح جامعه‌ها بپا خاسته و به امید نجات انسانهای محروم و ستمدیده ، بویژه نسل جوان هستند ، گلهائی که هنوز نشکفته پیر می‌شوند و انسانهائی که در منجلاب فساد و تباهی غرق و نابود می‌گردند ، و بدم افیون ، و مواد مخدر ، لکل و قمار و هرزگی و سرانجام جرم و جنایت و بزه‌کاری می‌افتند .

آری هشدار به همه آنانکه دلسوزند و به فکر اصلاح افراد و هدایت جامعه‌ها هستند ولی نمی‌دانند که چگونه و با کدامین مکتب و کدام راه ؟ !

آیا این کار با مکتبهای پر زرق و برق مادی ، همچون مکتب «مارکس» و «فروید» و «سارتر» و مانند آنها امکان پذیر است ؟ که اولی همه حقایق هستی را در بازار ماده و اقتصاد گرو گذاشت و انسان را برده پول و شکم و نیایشگر اقتصاد ساخته و تا سرحد ابزار و بیچ و مهره اش تنزل داده ، و دومی که همه چیز حتی مذهب و اخلاق و معنویت و فضائل بشری را درهای سکن سر بریده و انسان را در غریزه جنسی خلاصه کرده .

و سومی پیام آوری و پوچ گرائی شده و به عنوان « اصالت انسان » نوعی توحش مدرن و بی‌بندوباری پدید آورده است !

گوئی اینان با این اتحاد مثلث شوم (و اتفاقاً هر سه از نژاد یهود ویرانگر بوده‌اند) گورا اخلاق و معنویت و در واقع انسانیت و تمدن اصیل را کنده‌اند !

آری هیچ يك از این بت‌های نو آوری و مدعی نجات بشر ، نه تنها دردی رادوان نکردند بلکه بر مشکلات و دردها افزودند و به جای شکستن بتها ، برای جامعه بشری بت‌های

سال نوزدهم شماره ۱

تازه‌ای تراشیده‌اند .

بر واضح است که تنها تأمین نان ، آب ، و سرگرمی‌ها ، برای اصلاح جامعه کافی نیست ، و اگر چنین بود پس چرا فریاد کشورهای پیشرفته صنعتی از جمله بلوک کمونیستی از توسعه روزافزون آمار جرائم و جنایات بلند و بلندتر است .

و آیا تنها با ارشاد و راهنمایی و پرداختن به‌پند و موعظه و یا ترویج از مرامها و مکتب‌هایی همچون مسیحیت که صرفاً به اخلاق ، توصیه می‌کند و فاقد قوانین حقوقی و جزائی است می‌توان جامعه را اصلاح کرد ، و ریشه جنایت و جرم را برکند ؟ و آیا عرضه یک نظام هر چند عالی ولی بدون ضامن اجرا و پیش‌بینی‌های لازم برای جلوگیری از اینگونه جرائم ، به‌تنهایی کافی است ؟

مسئله !

بلکه ، نیاز به ارائه مکتبی است که توأم با همه برنامه‌های سازنده و مفید و طرحهای معنوی و اخلاقی و تربیتی ، درصدد ریشه‌کن ساختن یک سلسله عوامل فساد برانگیز هم بر آمده باشد و مجازاتهای لازم را برای مفسدان و جنایت‌پیشگان و عوامل گمراه‌کننده مقرر ساخته و طرح‌های مؤثری برای خشکانیدن ، نجلاب و باتلاق‌های مولد میکرب فساد و ویروسهای مضر بیماریهای اخلاقی و اجتماعی ، ارائه بدهد .

بنابراین در کنار آن تعلیمات ، قانون مجازات هم ضرورت دارد .

* * *

ضرورت قوانین جزائی :

مانه ، طرفدار خشونت و استبداد هستیم و نه اسلام دین خشونت و طرفدار مجازاتهای سنگین و بی‌جاست لیکن معتقدیم که نظام جامع و سالم و عادلانه اسلام و طرحهای تربیتی ، اخلاقی و ایمانی و سیستم عدالت اجتماعی و احکام حیاتبخش آن ، اگر دقیقاً پیاده شود زمینه‌ی فساد و جرم و جنایت ، کمتر می‌گردد و علاوه بر این یک سلسله قوانین و مجازاتهای هم برای تخلف و جنایات و جرائم وضع کرده است که دست مغرضان و خائنان و افراد مفسده‌جو را بسته است . زیرا می‌دانیم که هیچ طرح مفیدی بدون ضمانت اجرا نه تنها مفید نبوده و دردی را دوانمی‌کند ، بلکه عامل رکود و شکست طرحها می‌گردد .

* * *

پیش از بررسی نظام جزائی اسلام ، باید این نکته را خاطر نشان ساخت که اسلام همواره بر بهداشت اخلاقی جامعه و سالم‌سازی محیط زندگی تکیه کرده است ، و همه تلاش خویش را بر آن می‌دارد که چه در زمینه اعتقادی و ایدئولوژیکی و چه در زمینه‌های

علمی و عبادی و مسائل اخلاقی و تربیتی جامعه‌ای سالم و افراد صالح بسازد تا تمامی مردم در رفاه و آسایش روحی و جسمی و امنیت واقعی بسربرند نه مظلومی در چنگال ظالم اسیر باشد ، نه درمانده‌ای گرسنه ، گرفتار بی‌عدالتی ، و نه افرادی در دام فساد و تباهی بسر برند و . . .

شارع مقدس بخوبی آگاه بوده و هست که برای اصلاح جامعه و افراد باید تمامی مسائل و موضوعات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و اخلاقی را دقیقاً پیاده کرد و نخست انسانها را ساخت و آنان را با سلاح ایمان و آگاهی نسبت به مسائل جامعه مسلح نمود و بعد به دیگر مسائل پرداخت . پس نخست باید حقوق اسلامی را کاملاً اجرا کنیم سپس به اقامه حدود و اجرای قوانین جزائی بپردازیم .

زیرا حدود و قوانین جزا در اسلام به موازات طرح و پیاده شدن قوانین حقوقی قابل طرح است و بدون سالم سازی جامعه و تأمین حقوق مختلف افراد و پیاده شدن سیستم حکومتی و حقوقی اسلام ، هرگز با مجازات مقصر به تنهایی در محیط فاسد و غیر اسلامی نمی‌توان آرمانهای اسلامی را بنجامه عمل پوشاند » و اگر اسلام حکم بریدن دست دزد را با شرطی وضع کند ، عوامل دزدساز و دزدپرور را نیز سرکوب می‌کند و جلو احجاب و غارت ثروت و بی‌عدالتی را می‌گیرد و فتر را هم ریشه کن می‌سازد ، اگر برای فحشاء و میگساری حدی و حکمی تعیین می‌کند با برقراری سیستم حکومت اسلامی لانه‌های فساد را ویران می‌سازد ، و عوامل برپاکننده فساد و هرزگی و مراکز فحشا و . . . را نابود می‌کند . وسایل ازدواج آسان را برای همه جوانان فراهم می‌سازد ، در حکومت اسلام هرگز نخواهید دید که «سنگ را بسته و سنگ را ، رها سازند»

چون در نظام غلط و با بازگذاشتن دست عوامل توسعه و فساد و جرم و زیاد شدن زمینه غارت ، دزدی و چپاول و رشوه ، و اکتفا کردن به اجرای حدود و یا وضع قوانین جزائی به تنهایی بدون ریشه کن ساختن آن عوامل ، بی‌فایده است .

پس باید توجه داشت که قانون جزا و حدود و دیات اسلامی که برای تکمیل و پیشگیری از آلودگی و ریشه کن ساختن فساد در جامعه اسلامی است کاربرد نهائی آن تنها در نظام حکومت عادلانه اسلام و سیستم فراگیر عدالت اجتماعی آن است ، نه در جامعه غیر اسلامی و نظامهای غیر عادلانه و مجرم پرور و جانی و دزدساز!

با توجه بجهات یاد شده در جامعه اسلامی است که نقش سازنده این قوانین جزا نه تنها لازم و مفید می‌باشد بلکه يك ضرورت اجتماعی خواهد بود ، که بعدها درباره آن و امکان پیاده شدنش بطور گسترده سخن خواهیم گفت .